



## مقایسه تطبیقی داستان حضرت زکریا (ع) و حضرت یحیی (ع) در قرآن و اناجیل اربعه

(از ص ۱۵۲ - ۱۷۵)

دکتر فیض الله اکبری دستک<sup>۱</sup>

### چکیده

انجیل لوقا، زکریا (ع) را به عنوان کاهنی یهودی و بسیار درستکار و مجری احکام الهی با جان و دل می‌داند که در ایام پیری توسط فرشته خدا به ولادت یحیی نبی بشارت داده شد. قرآن کریم نیز، زکریا (ع) را به نبوت و وحی وصف نموده که علاوه بر دریافت بشارت اعجازآمیز یحیی (ع) در کهنسالی توسط وحی، کفالت و سرپرستی مریم مقدس (س) را نیز بر عهده داشته است. در اناجیل اربعه، وظیفه یحیی (ع)، و تمهید راه برای عیسی مسیح (ع) و تبشیر نسبت به ظهور پیام آور مسیحیت بیان شده است و قرآن کریم نیز یحیی (ع) را پیامبری می‌داند که علاوه بر تصدیق نبوت عیسی (ع)، دارای کتاب آسمانی بوده و در سن کودکی، مقام نبوت به وی عطا شده بود. **کلید واژه‌ها:** قرآن، اناجیل اربعه، زکریا (ع)، یحیی (ع)، مقایسه تطبیقی، داستان.

## مقدمه (طرح مسأله)

قصه همواره، همراه زندگی انسان بوده و آموزش از طریق قصه نیز، همراه دین بوده و از این طریق، انسان را به هستی پیوند داده و موجب باروری اندیشه شده و چه زیبا در قرآن آمده که

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَنُنَزِّلُهَا إِلَى الْأَرْضِ وَأَتَّبِعَ هَوِيَهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (الاعراف، ۱۷۶).

دین بسیاری از تعلیمات خود را در قالب داستان بیان نموده و از این طریق انسان را با عقاید دینی (یعنی رسیدن به خدا و کمال نهایی) پیوند می‌دهد. بنابراین مشاهده می‌شود که کتاب‌های آسمانی مشحون از داستان می‌باشند. قصه‌های قرآنی بر این مسأله تأکید می‌کنند که همه ادیان از سوی خداوند یکتاست، آنچه اساس دین الهی که پیامبران متعدد آورده‌اند می‌باشد، یک پایه و یک اساس است و بر سر آن هیچ یک از پیامبران با یکدیگر اختلاف به هم نرسانیده‌اند، لذا دین خدا یکی است و منبع دین نیز یکی است. این هدف، یکی از اهداف اساسی قرآن کریم است. قرآن، از جمله اهداف والایش، نمایاندن پیوند میان اسلام حنیف و دیگر ادیان الهی است که دیگر انبیاء مرسل مردم را به سوی آن‌ها فراخوانده‌اند از این رو، قصه و قصه‌پردازی به ویژه بیان و شرح داستان زندگانی و نبوت پیامبران الهی از جمله موضوعات مشترک است که در کتاب‌های آسمانی و ادیان توحیدی بدان پرداخته شده است. در همین راستا اناجیل اربعه و قرآن کریم گاه به تفصیل و گاه به اجمال به بیان داستان زندگی رسالی پیامبران الهی و مبارزات سخت آنان با حاکمان و زورگویان جامعه و نیز عابدان و

راهبان مقدس مآب و ریاکار معاصر خویش پرداخته و مخاطبان و پیروان خویش را با داستان زندگی و سطح تعالیم و آموزه‌های آنان و نیز سرگذشت امت‌های پیشین آشنا نموده‌اند. داستان زندگی و تعالیم حضرت زکریا (ع) و یحیی (ع) یکی از داستان‌های مشترک میان قرآن کریم و اناجیل اربعه می‌باشد که از یکسو، علی‌رغم مطالعات و تحقیقات صورت پذیرفته در خصوص تبیین سیمای تابناک فرستادگان الهی، داستان و شخصیت این دو پیامبر بزرگ الهی، نه در اسلام و نه در مسیحیت، آنچنان و در خور، مورد مطالعه و تحقیق موشکافانه و روشمند قرار نگرفته و از سوی دیگر باید اذعان کرد که اگرچه شخصیت داستان حضرت زکریا (ع) و یحیی (ع) به صورت مختصر و کوتاه در قرآن و اناجیل طرح شده، ولی نکات عبرت‌آموز و جنبه‌های تربیتی و سازنده آن در هر دو کتاب، به حدی فراوان است که اهتمام ویژه نسبت به آن‌ها می‌تواند چراغ پرفروغی فرا از دیدگان پیروان اسلام و مسیحیت در جهت تحکیم بنیان‌های مشترک عقیدتی قرار دهد به ویژه آنکه در نیم قرن گذشته، بیشتر متألهان و متفکران ادیان بزرگ، از ضرورت گفتگوی ادیان سخن می‌گویند و برای بسط و گسترش آن تلاش می‌کنند. پیداست که طرح این گفتگو و تبادل نظر جهت ابهام‌زدایی از پیام‌های اصلی ادیان و تقویت زمینه‌های صلح و همزیستی میان پیروان آن‌ها نقش حیاتی دارد.

### ۱- داستان حضرت زکریا (ع) در انجیل و قرآن

داستان حضرت زکریا (ع) تنها در انجیل لوقا و نسبتاً کوتاه و گذرا آمده و تحت‌الشعاع داستان حضرت یحیی (ع) قرار گرفته است. از لحاظ شخصیت، زکریا (ع)، کاهنی یهودی و عضو دسته‌ای از خدمه خانه خدا به نام ایّیا (هاکس، ۱۳؛ توفیقی، ۹۸) و همسر ایصابات از نسل کاهنان یهود و بسیار درستکار و مجری احکام الهی بود. او توسط فرشته خدا در ایام پیری به ولادت یحییای پیغمبر بشارت داده شد. داستان حضرت زکریا (ع) در قرآن نیز نسبتاً کوتاه و گذرا آمده و طی آن، زکریا (ع) به نبوت

و وحی وصف نموده که علاوه بر دریافت بشارت اعجاز‌آمیز یحیی (ع) در کهنسالی توسط جبرئیل، کفالت سرپرستی مریم مقدس (س) را نیز بر عهده داشته است.

### ۱-۱ زکریا (ع) و دریافت بشارت وحیانی

در انجیل لوقا، علاوه بر تصریح نسبت به نازایی ایصابات و کهنسالی آن دو، بدین گونه به داستان زکریا (ع) پرداخته شده که در یکی از روزهایی که ذکر یا (ع) در معبد بوده، فرشته خداوند بر او نازل می‌شود و با او صحبت می‌کند و به او بشارت می‌دهد که دعای تو مستجاب شده و همسرت برای تو پسری خواهد آورد که او را یحیی (ع) نام خواهی نهاد و به او خبر داد که از این پس، شادی و سرور زائدالوصفی نصیب تو و ایصابات خواهد شد و بسیاری از ولادت آن نوزاد خوشحال خواهند شد (لوقا، اول، ۵ - ۱۰) زیرا که در حضور خداوند، بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نوشید و از شکم مادر خود پر از روح‌القدس خواهد بود. و بسیاری از بنی اسرائیل را به سوی خداوند خدای ایشان بر خواهد گردانید. و او به روح و قوت الیاس پیش روی وی خواهد خرامید...» (لوقا، اول، ۱۰ - ۱۳).

زکریا (ع) که از این امر بسیار شگفت زده شده بود و باور نداشت به فرشته گفت: «این را چگونه بدانم و حال آن که من پیر هستم و زوجه‌ام دیرینه سال است» (لوقا، اول، ۱۵). ولی فرشته بدو پاسخ داد «من جبرئیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم و فرستاده شدم تا به تو سخن بگویم و از این امور تو را مژده دهم» (لوقا، اول، ۱۶).

در ادامه داستان، فرشته، او را از علامت و نشانه صحیح بودن و نیز وقوع نزدیک این بشارت خبر داد و گفت: «تا این امور واقع نگردد گنگ شده یارای حرف زدن نخواهی داشت زیرا سخن‌های مرا که در وقت خود به وقوع خواهد پیوست باور نکردی» (لوقا، اول، ۲۰ - ۲۲). و البته چنین نیز واقع شد زیرا وقتی که زکریا (ع) از معبد بیرون آمد، جماعت منتظر در خارج از معبد، متوجه عدم تکلم زکریا (ع) شدند و فوراً به حادثه بزرگی پی بردند و سرانجام ایصابات باردار شد و مدت پنج ماه خود را

پنهان کرد و آن را امر خداوند خواند تا ننگ را بدین وسیله از او بردارد (لوقا، اول، ۲۳ - ۲۵).

قرآن کریم نیز داستان زندگی و نبوت حضرت زکریا (ع) به ویژه ماجرای بشارت و حیانی ولادت یحیی (ع) و بارداری همسر آن حضرت را در کهنسالی و در عین نازایی به تفصیل و با جزئیات لازم در طی چهار سوره مدنی بیان می کند. در هر یک از این سوره ها زکریا (ع) به عنوان «نبی و دریافت کننده وحی»، «پیامبری عظیم بسان الیاس و اسماعیل و عیسی» و «اهل عبودیت و صلاح» معرفی شده است (آل عمران، ۳۹؛ مریم، ۲ و ۳؛ الأنعام، ۸۵؛ الانبیاء، ۸۹ و ۹۰).

قرآن کریم آغاز ماجرای دریافت بشارت و حیانی زکریا (ع) و بارداری همسر وی را به وجود ارتباط میان (خانواده) زکریا (ع) و مریم دختر عمران گره می زند که طی این ارتباط، زکریا (ع) کفالت و سرپرستی مریم (س) را برعهده می گیرد آنجا که مطابق بیان قرآن، کفالت و سرپرستی مریم (س) به خاطر فقدان پدرش عمران به زکریا (ع) داده می شود و پس از رشد و نمو مریم (س) در خانواده زکریا (ع) و اشتغال وی به عبادت پروردگار، زکریا (ع) بر وی وارد می شود و به تفقد و تشویق مردم می پردازد:

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (آل عمران، ۳۷).

در این هنگام بود که زکریا (ع) با مشاهده کرامت مریم (س)، به نیایش به درگاه الهی پرداخت و از پروردگار خویش خواست که فرزندی طیب و پاک از ذریه ای پاک به وی عطا نماید.

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ، قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل

عمران، ۳۸)

ذَكَرَ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ﴿٢﴾ اِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا ﴿٤﴾ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنِّي وَرَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ آتِيَةً مِنِّي فَآتٍ فَهُوَ ابْنُ مَرْيَمَ وَحَمِيمٌ ﴿٥﴾ أَجْعَلُهُ رَبِّ رَضِيًّا ﴿٦﴾ (مریم، ۲ - ۶).

«پس زکریا (ع) را فرشتگان ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده که همانا خداوند تو را به ولادت یحیی (ع) بشارت می‌دهد... زکریا (ع) عرض کرد پروردگارا چگونه مرا پسری تواند بود در حالی که مرا سن پیری فرا رسیده و اهل من نیز عجوزی نازا باشد گفت چنین است کار خدا هر چه بخواهد می‌کند بی آنکه به شرایط و اسباب محتاج باشد» (آل عمران، ۳۹ و ۴۰). زکریا (ع) به محض شنیدن این خبر مسرت بخش، بسیار شگفت زده شده چنین استدلال می‌کند که این امر با اسباب و علل طبیعی و بشری، در تضاد خواهد بود از این رو به دنبال نشانه‌ای بر صحت این بشارت رفته و چنین عرضه می‌دارد: «بار الها برای من نشانه و حجتی بر این بشارت قرار ده خدا فرمود: بدین نشان که با مردم تا سه روز تکلم نکنی پس ما به زکریا (ع) در آنجایی که از محراب عبادت بر قدمش بیرون آمد وحی کردیم که (تو و امتت) همه صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید» (مریم، ۱۰ - ۱۱).

## ۱-۲- همسر زکریا (ع)

مطابق گزارش انجیل لوقا، همسر زکریا (ع)، ایصابات نام داشت که از نسل هارون و از قبیله کاهنان یهود بود. او نقش مهمی در زندگی پاک همراه با مشقت و سختی زکریا (ع) داشت و در کنار زکریا (ع) از مریم (س) نیز سرپرستی و مراقبت می‌نمود. او به جهت عقیم بودن، از مردمان عصر خویش، طعنه‌ها و زخم‌زبان‌های زیادی می‌شنید و با عنایت به عنصر پارسایی و تعبد خویش، آن را تحمل می‌کرد و شکیبایی می‌ورزید. ایصابات زنی پارسا، متعبد، مجری احکام الهی و پیر و سالخورده بود که به

تربیت یحیی (ع) فرزند خویش در کهنسالی پرداخت (لوقا، اول، ۵ - ۱۷).

قرآن کریم نیز علاوه بر تصریح نسبت به عقیم بودن همسر زکریا (ع) از زبان وی، از او به عنوان بانویی صالح و شایسته و پاکدامن، پیشگام در انجام خیرات و نیکی‌ها، اهل دعا و نیایش مداوم همراه با بیم و امید و نیز اهل خشوع و خضوع به درگاه الهی یاد می‌کند:

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ، وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ ﴿۸۸﴾ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ، رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (الانبیاء، ۸۸ - ۸۹). علاوه بر آنکه توصیفات فراز پایانی آیه فوق مشترکاً پیرامون زکریا (ع) و همسرش به کار رفته و این که از یحیی (ع) به عنوان موهبت و عطیه الهی یاد شده به شخصیت، پاکدامنی، صلاح و ایمان همسر زکریا (ع) اشاره شده که چگونه صلاحیت مادری یحیی پیغمبر (ع) و پذیرش این موهبت الهی را داشته است همچنان که برخی از مفسران از جمله علامه طباطبائی (ره) با عنایت به سیاق آیه، علت و وجه انعام و موهبت الهی در حق زکریا (ع) و همسرش را در سه جهت اصلی ذیل دانسته‌اند: پیشگامی و پیشتازی در خیرات، دعا و نیایش مستمر همراه با خوف و رجاء و نیز خشوع و خضوع در برابر پروردگار. به همین خاطر مورد عنایت ویژه خداوند و اصلاح او قرار گرفتند (طباطبائی، ۳۱۹/۱۴).

### ۱-۳- سرنوشت زکریا (ع)

در انجیل لوقا، پس از گزارش نزول فرشته بر زکریا (ع) و دریافت بشارت ولادت یحیی (ع) و نیز سلب شدن قدرت تکلم وی به عنوان نشانه‌ای بر صحت ادعای وعده الهی، تنها از گشوده شدن زبان زکریا (ع) و باز یافتن قدرت تکلم وی پس از ولادت یحیی (ع) سخن به میان آمده است آنجا که پس از نوشتن نام یحیی (ع) بر روی تخته، زبان وی به حمد و سپاس خداوند گشوده شد و به بیان فلسفه ولادت یحیی (ع) پرداخت. از این رو به کیفیت و مدت حیات زکریا (ع) و همسرش پس از فرزنددار

شدنشان هیچ اشاره‌ای نشده به طوری که می‌توان گفت شاه بیت زندگی زکریا (ع) در تلقی بشارت صاحب فرزند شدن وی، آن هم در کهنسالی او خلاصه می‌شود و از قبل و بعد حیات وی مطلبی نقل نشده است. اما در ضمن گزارش‌های لوقا و متی به نقل از عیسی مسیح (ع) عبارتی یافت می‌شود که بر شهادت زکریا (ع) به دست ظالمان و سفاکان یهود تصریح می‌کند: «تا انتقام خون جمیع انبیاء که از ابنای عالم ریخته شد از این طبقه گرفته شود. از خون هابیل تا خون زکریا (ع) که در میان مذبح و هیکل کشته شد» (لوقا، یازدهم، ۵۰ - ۵۱)؛ «تا همه خون‌های صادقان که در زمین ریخته شد بر شما وارد آید. از خون هابیل صدیق تا خون زکریا (ع) ابن برخیا که او را در میان هیکل و مذبح کشتید» (متی، بیست و سوم، ۳۵). مقصود از هیکل در بیشتر مواضع کتاب مقدس، هیکل اورشلیم است که بر کوه موریا بنا شده بود و شباهت به چادر جماعت می‌دانست. هیکل عصر عیسی (ع)، سومین هیکل از هیکل‌های سه‌گانه بود که توسط هیروودیس پادشاه ساخته شد. این هیکل در ایام مسیح در محلی بود که فعلاً قدس شریف در آنجا می‌باشد و بر اطراف تلی که هیکل بر آن بنا شده بود حجره‌های صرافان بود و قصرهای سلطنتی در طرف جنوبی و رواق سلیمان در مشرق بود و ستون‌ها به طوری بزرگ و سطر بودند که سه نفر نمی‌توانست یکی را در آغوش بگیرد و دو تا از آن‌ها تا به حال هم باقی است (هاکس، ۹۳۵).

در قرآن مجید نیز از تاریخ حیات زکریا (ع) جز دعا و نیایش آن حضرت به درگاه خداوند جهت فرزنددار شدن و استجاب آن از سوی خداوند و اعطاء یحیی (ع) به وی آن هم پس از مشاهده حالات مریم مقدس (س) در عبادت و کرامت وی به نزد خداوند، چیز دیگری گزارش نشده است (طباطبائی، ۲۷/۱۴). بر این اساس، در قرآن کریم پیرامون سرنوشت و عاقبت کار زکریا (ع) و نیز کیفیت رحلت وی، چیزی بیان نشده است لکن اخبار و گزارش‌های فراوانی از طرف عامه و خاصه وارد شده است که قوم زکریا (ع) او را به قتل رسانیدند و ماجرای آن بدین صورت نقل شده که دشمنانش



قصد جان وی کردند ولی زکریا (ع) از میان آنان گریخت و به درختی پناه برد و آن درخت نیز برای وی شکافته شد و زکریا (ع) به درون آن درخت رفت و آن درخت به حالت اول خود برگشت آنگاه شیطان بر قوم زکریا (ع) مسلط شد و به آنان دستور قطع درخت با اهره را صادر کرد و آن قوم نیز چنین کردند و درخت را به دو نصف درآوردند در آن هنگام زکریا (ع) به شهادت رسید (تفسیر قمی، ۷۶/۲؛ طبرسی، ۴۳۸/۱).

## ۲- داستان حضرت یحیی (ع) در اناجیل اربعه و قرآن

داستان حضرت یحیی (ع) در اناجیل چهارگانه بیان شده و طی آن به شرح زندگی، مواظب و تعلیمات و رسالت وی و همچنین به دعوت از مردم برای ایمان به خدا و پرستش او و ترک گناهان اشاره شده است. از جانب دیگر، در اناجیل اربعه وظیفه یحیی (ع)، تمهید راه برای حضرت عیسی مسیح (ع) می باشد به گونه ای که بشارت های آن حضرت نسبت به ظهور پیامبری با عظمت به نام عیسی مسیح (ع) و نیز تمجیدها و تجلیل هایی که آن حضرت نسبت به مسیح (ع) بیان می دارد، شاهدی بر این مدعاست. داستان حضرت یحیی (ع) در قرآن کریم در کنار داستان پدرش حضرت زکریا (ع) و در همان سوره هایی است که داستان زکریا (ع) در آن بیان شده است. از این رو داستان حضرت یحیی (ع) در قرآن کریم در دو بخش عمده شامل ولادت یحیی (ع) و تاریخ زندگانی وی نیز تنها و توصیفات الهی پیرامون شخصیت و نبوت وی مورد بررسی قرار گرفته است.

### ۲-۱- ولادت اعجاز گونه یحیی (ع)

داستان ولادت اعجاز آمیز یحیی (ع) و حوادث پیرامون آن شامل کیفیت وضع حمل مادرش ایصابات و احوال عارض بر پدرش زکریا (ع) به تفصیل در انجیل لوقا بیان شده است. در گزارش لوقا، چون وقت زایمان ایصابات فرارسید او فرزند پسری به دنیا آورد و با الهام و اعلام خداوند از قبل و اشاره زکریا (ع)، نام آن نوزاد را یحیی

(ع) نهادند که پیش از آن، کسی در آن قبیله و منطقه بدین اسم، نامبردار نشده بود (لوقا، اول، ۵۷-۶۰). ولادت یحیی (ع) که در دوران کهنسالی زکریا (ع) و نازایی ایصابات از طریق بشارت وحی انجام شد موجب خارج شدن زکریا (ع) از حالت عدم تکلم (گنگی) و روزه سکوت گردید و زکریا (ع) دوباره توان تکلم و سخن گفتن یافت. علاوه بر آن خبر ولادت یحیی (ع) و صاحب فرزند شدن زکریا (ع) در تمام آفاق شهرت یافت و همسایگان و خویشانان با آنان شادی کردند (لوقا، اول، ۶۰/۶۴). پس از ولادت یحیی (ع) و نامگذاری وی و نیز بازگشتن توان تکلم پدرش، زکریا (ع) فلسفه ولادت و رسالت یحیی (ع) را برای همگان بازگو نمود و چنین فرمود که خداوند بر بنی اسرائیل منت نهاد و از رهگذر ولادت یحیی (ع)، برایشان رهبری فرستاد تا مایه نجات و رهایی قوم باشد که ما را از دشمنان و کسانی که از ما نفرت دارند، برهاند و اینکه عهد مقدس خدا را تذکر فرماید... سپس زکریا (ع) رو به طفل نمود و گفت که از این پس، تو نبیّ حضرت اعلی خوانده خواهی شد زیرا که پیش روی او خواهی خرامید و طرّق او را مهیا خواهی نمود تا آن که قوم خویش را نجات داده و به سوی آمرزش الهی، دعوت نمایی و ما را به سوی نور و هدایت و سلامت، رهنمون شوی» (لوقا، اول، ۶۴-۸۰).

مسأله بشارت ولادت یحیی (ع) و تاریخ زندگانی وی در قرآن کریم تحت تأثیر زندگانی و حیات پدر بزرگوارش حضرت زکریا (ع) است و می توان گفت آنچه که قرآن کریم پیرامون تاریخ حیات یحیی (ع) بیان نموده، عمدتاً در قالب همان بشارت ها و اخبار غیبی است که به هنگام نزول فرشته بر زکریا (ع) به وی داده شده و لذا قرآن کریم مستقلاً به معرفی شخصیت و نبوت حضرت یحیی (ع) نپرداخته است. با این وصف همه آنچه که در این باره بیان داشته، بسیار جامع و کامل و گویاست و از هیچ گونه ابهامی و اجمالی برخوردار نیست:

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ إِسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ، مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ﴿٧﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ

لِيْ غُلَامًا وَكَانَتْ أَمْرَاتِيْ عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ﴿٨﴾ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّسٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا (مريم، ۷ - ۹). در جای دیگر چنین آمده است:

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۳۹). بر طبق سیاق این دسته از آیات قرآن کریم، حضرت یحیی (ع) به صورت خرق عادت و معجزه گونه از پدر و مادری که هر دو پیر و سالخورده بودند، به دنیا آمد و خداوند موهبت ولادت یحیی (ع) را به والدینش روزی نمود. این نوزاد، پیش از ولادتش از سوی خداوند یحیی (ع) نامیده می شود، نامی که هیچ کس پیش از آن، بدین اسم نامبردار نشده بود. آنگاه این نوزاد، پس از ولادتش رشد و نمو می کرد و در راه هدایت و عبادت و زهد در خردسالی گام برمی دارد و در همین سن به نبوت و رسالت الهی نائل می آید (طباطبائی، ۲۸/۱۴).

## ۲-۲- نبوت و تعالیم یحیی (ع)

در اناجیل اربعه پیرامون دوران کودکی، نوجوانی و جوانی یحیی (ع)، هیچ سخنی به میان نیامده است و پس از بیان ماجرای ولادت اعجاز آمیزش، تنها به رشد و نمو وی در دوران جوانی برای دریافت وحی در بیابان اشاره شده است: «یحیی (ع) رشد کرد و صاحب روحی توانا شد. او در بیابان به سر می برد تا روزی فرا رسید که می بایست خدمت خود را در میان اقوام بنی اسرائیل آغاز کند (لوقا، اول، ۸۰). البته جبرئیل در حین بشارت یحیی (ع) به زکریا (ع)، او را این چنین توصیف می کند: «بسیاری از بنی اسرائیل توسط او به سوی خداوند خدای خود بازگشت خواهند نمود. او خدمت خود را با همان روح و قدرت الیاس انجام خواهد داد» (لوقا، اول، ۱۵ - ۱۶). علاوه بر باب اول در انجیل لوقا پیرامون به سر بردن یحیی (ع) در بیابان تا زمان دریافت وحی، باب سوم همین انجیل نیز به تفصیل به آغاز نبوت یحیی (ع) در بیابان

اشاره و محتوای تعالیم آن حضرت را بیان می‌نماید: «کلام خدا به یحیی (ع) ابن زکریا (ع) در بیابان نازل شده به تمامی حوالی اردن آمده به تعمید توبه جهت آمرزش گناهان موعظه می‌کرد. چنانچه مکتوب است در صحیفه کلمات اشعیای نبی که می‌گوید: صدای ندا کننده در بیابان که راه خداوند را مهیا سازید و طرق او را راست نمایید. هر وادی انباشته و هر کوه و تلی، پست و هر کجی، راست و هر راه ناهموار صاف خواهد شد تمامی بشر نجات خدا را خواهند دید» (لوقا، سوم، ۲ - ۵). مطابق گزارش لوقا، مساله رسالت و نبوت یحیی (ع) در کتاب مقدس یکی از پیامبران گذشته به نام اشعیا آمده و نسبت به آن اخبار داده شده بود. آنگاه در خصوص محتوای اصلی تعالیم یحیی (ع)، لوقا چنین روایت می‌کند: «آنگاه به جماعتی که برای تعمید وی بیرون می‌آمدند گفت ای افعی زادگان! که شما را نشان داد که از غضب آینده بگریزید. پس ثمرات مناسب توبه بیاورید و در خاطر خود این سخن را راه ندهید که ابراهیم (ع) (ع) پدر ماست زیرا به شما می‌گوییم خدا قادر است که از این سنگ‌ها، فرزندان برای ابراهیم (ع) برانگیزاند. و الان نیز تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است. پس هر درختی که میوه نیکو نیاورد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. پس مردم از وی سؤال کرده گفتند چه کنیم؟ او در جواب ایشان گفت: هر که دو جامه دارد به آنکه ندارد بدهد و هر که خوراک دارد نیز چنین کند. و باج‌گیران نیز برای تعمید آمده بدو

۱. نخستین و اصلی‌ترین آیین که برای همه مسیحیان ضرورت دارد، تعمید است. انسان با تعمید به جامعه مسیحیت وارد می‌شود و رسالت دائمی کلیسا را بر عهده می‌گیرد. این رسالت عبارت است از گواهی دادن به کارهای نجات بخش خدا به وسیله عیسی - به عقیده هر مسیحی، تعمید وسیله‌ای است که خدا با آن، همه آثار زندگی و مرگ عیسی را عطا می‌کند. هر مسیحی فقط یک بار هنگام ورود به جامعه مسیحیت تعمید می‌پذیرد که اصولاً با نوعی از شستشو انجام می‌گیرد. در برخی کلیساها رسم است که با ریختن آب بر سر شخص، وی را تعمید می‌دهند. در بعضی کلیساهای دیگر رسم است که شخص برای تعمید به زیر آب می‌رود و بیرون می‌آید. کلیساهایی نیز تعمید شونده را به آب‌های طبیعت مانند نهرها و دریاچه‌ها می‌برند. (توفیقی، ۱۵۲). بعضی دیگر معتقدند تعمید واژه یونانی *Baptizo* و به معنای فرو رفتن و یا غوطه‌ور شدن در آب، استفاده می‌شود. با این کلمه، رفتار تعمید دهنده که شخص ایماندار را در آب فرو می‌برد، تشریح می‌شود. کلمه تعمید توسط زبان عربی از ترجمه قدیم انجیل به زبان آرامی که کلمه «معمودینا» را به کار می‌برد، گرفته شده است. این واژه به معنای برپا ایستادن و پابرجا شدن می‌باشد (اشرفی، ۳۱۰).

گفتند استاد چه کنیم؟ بدیشان گفت زیادتر از آنچه مقرر است نگیرید. سپاهیان نیز از او پرسیده گفتند ما چه کنیم؟ بدیشان گفت بر کسی ظلم نکنید و بر هیچ کس افترا نزنید و به مواجبه خود اکتفا کنید» (لوقا، سوم، ۶ - ۱۳).

بنابر عبارات فوق، مهم‌ترین منشور تعالیم یحیی (ع) را می‌توان در آموزه‌هایی همچون توبه، عمل صالح، پرهیز از ویژه خواری، انفاق در راه خدا، دستگیری از برادران و اطعام فقرا، انصاف و قناعت و پرهیز از ظلم و افترا خلاصه کرد. علاوه بر مطالب یاد شده از مهم‌ترین تعالیم و آموزه‌های یحیی (ع)، دعوت به توبه و بشارت نسبت به نزدیک بودن ملکوت آسمان است: «در آن ایام یحیی (ع) تعمید دهنده در بیابان یهودیه ظاهر شد و موعظه کرده می‌گفت توبه کنید زیرا ملکوت آسمان<sup>۱</sup> نزدیک است» (متی، سوم، ۱).

از این رو بر طبق روایت مرقس، یحیی (ع) در دعوت خویش توفیقات زیادی به دست آورد تا جایی که تمامی و مرز و بوم یهودیه و جمیع سکنه اورشلیم نزد وی بیرون شدند و به کاهنان خود معترف گردیده، در رود اردن از او تعمید یافتند (مرقس، اول، ۴ - ۵). ابن یحیی (ع) لباسی از پشم شتر بر تن داشت و کمر بند بر کمر و

۱. در همین رابطه میار معتقد است که آخرین و بزرگ‌ترین پیغمبری که مبعوث گردیده تا قوم خاص خدا را به توبه دعوت نماید یحیی (ع) تعمید دهنده بود که آمده اعلام نمود ملکوت خدا نزدیک بلکه بر در است. (میلر، ۳۸).  
۲. از دیدگاه بنی اسرائیل، ملکوت آسمان گونه‌ای از حکومت الهی بود که آرمان مقدس آنان به شمار می‌رفت. به همین دلیل به گفته اناجیل، یحیی تعمید دهنده در دعوت خود موفقیت چشم‌گیری به دست آورد و تأثیر عمیقی بر مردم گذاشت. (توفیقی، ۱۱۳).

اما در مورد مدلول و مفهوم دقیق «ملکوت آسمان» میان دانشمندان مسیحی، اتفاق نظر وجود ندارد. هاکس می‌گوید: «ملکوت خدا، ملکوت اسمان، ملکوت خداوند ما» الفاظ مسطوره، معانی چند دارد. از جمله: حیات و تقوای قلبی (متی، ۳۶/۶) و نظم و قاعده و قانون و اصولی که مسیح از برای ترتیب آن آمد. (متی، ۱۷/۴ و ۱۱/۱۳) و برتری قوم خدا بر حسب اراده اوتعالی (متی، ۴۳/۲۱) و مجد و تسلط مسیح (متی، ۲۸/۱۶) و اقتدار کلی خدای تعالی بر تمامی موجودات (متی، ۱۰/۶) و حالت سماوی (متی، ۱۱/۸؛ هاکس، ۸۳۴).

هیوم در همین زمینه، می‌نویسد «ملکوت آسمان (حکومت خداوندی) نزدیک است؛ عیسی بر این مسئله که این حکومت یک سلطنت روحانی قلبی است که از طریق درستی و محبت کسب می‌گردد تأکید داشت. این برداشت با آنچه که در فکر بسیاری از شنوندگان او بود، تفاوت داشت زیرا آن‌ها تصور کردند که او فردی بت‌شکن و یارویایی است.» (هیوم، ۳۴۱).

خوراکش ملخ و غسل صحرائی بود (متی، سوم، ۳).

در مورد علت بیانگری یحیای تعمید دهنده نیز باید گفت چنانچه آن حضرت را از قبیله اسنیان بدانیم (زیرا در وجه تسمیه این کلمه، احتمالات دیگری مانند تعمید دادن نیز وجود دارد) این امر به عقاید آنان برمی گردد زیرا اسنیان، در اندیشه شفای روان خویش بوده‌اند و نیز مالکیت فردی را قبول نداشتند و به ازدواج هم روی خوشی نشان نمی‌دادند و در روز چندین بار غسل می‌کردند و به این منظور، حوض‌های بزرگی ساخته بودند که بعدها کشف شد. سطح معلومات آنان در زمینه تفسیر و عرفان بالا بوده است. به عقیده برخی دانشمندان، افکار این فرقه بعدها زیربنای مسیحیت فعلی گردید. از این رو با توجه به نگرش منفی این فرقه نسبت به مقوله ازدواج و تشکیل خانواده و نیز با عنایت به تعبیر قرآنی «حضور» به معنای ازدواج نکردن در مورد یحیی (ع) می‌توان بیان‌گردی آن حضرت را مبتنی بر عقائد مذهبی‌شان تلقی نمود (توفیقی، ۹۸). قرآن کریم نیز، تنها از دوران نوزادی یحیی (ع) و کیفیت ولادت اعجاز‌آمیز وی سخن می‌گوید و دیگر گزارشی از دوران خردسالی، نوجوانی و جوانی یحیی (ع) بیان نمی‌کند و صرفاً به نائل شدن ایشان به مقام نبوت و رسالت ایه در خردسالی اشاره و سپس در ادامه به ذکر اوصافی از دوران رسالت و تعالیم آن حضرت می‌پردازد:

يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ﴿١٣﴾ وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٤﴾  
 وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٥﴾ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا  
 (مریم، ۱۲ - ۱۵).

مطابق آیات فوق، یحیی (ع) در سن کودکی به مقام نبوت رسید و دارای کتاب آسمانی گردید. از سوی دیگر، ایشان مایه رحمت الهی معرفی می‌شود که نسبت به والدین خود بسیار مهربان و نیکوکار بود و جبار و عصیانگر نبود و در مقابل اهل تقوا و پاکدلی بود که در سه مقطع حیات خویش مورد سلام و درود و رحمت خداوند واقع

می شود. به ویژه آن که از تعبیر «وحنانا من لدنا» چنین می توان استنباط نمود که خدا از جهان غیب به او حالت مهر و محبت داده بود و این دارای ابعادی بود: یحیی (ع) به خدا عشق می ورزید و نتیجه آن لطف الهی نسبت به او بود و علاقه به مردم داشت و طبعاً مورد محبت مردم بود (سبحانی، ۱۲ / ۳۴۷). در ماجرای بشارت جبرئیل به زکریا (ع)، یحیی (ع) این گونه توصیف و اخبار می شود:

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران، ۳۹): یحیی (ع)، تصدیق کننده نبوت مسیح (ع) است، سیدی است که قوم خود را رهبری و سروری می کند، حضور و خویشتن دار از تمایلات نفسانی است.

این از کمالات بزرگ روحی است و گاهی به بی رغبتی نسبت به زنان تفسیر شده همچنان که مفسران معتقدند آن حضرت هیچ گاه ازدواج نکرد و چیزی از لذات دنیا او را به خود سرگرم نساخت (طباطبایی، ۲۸/۱۴). ولی هیچ گاه ازدواج نکردن، صفت کمال برای انسان نیست و روشن ترین گواه آن است که یحیی (ع) دارای گرایش ذاتی بود ولی خویشتن داری می کرد و کاربرد واژه حصر به معنای منع و تضییق می باشد (سبحانی، ۱۲/۳۴۵). خداوند در وصف اهل بیت زکریا (ع) که شامل زکریا (ع)، همسر و فرزندشان یحیی (ع) هم می شود، یحیی (ع) را از جمله پیشگامان در خیرات و نیایش گران همیشگی به درگاه الهی و خاشعان به ساحت قدس الهی معرفی می نماید (الانبیاء، ۸۹ - ۹۰).

### ۲-۳- بشارت یحیی (ع) به نبوت عیسی (ع) و ستایش او

مطابق گزارش اناجیل چهارگانه، مهم ترین مأموریت یحیی (ع) در امر رسالت، تمهید راه برای عیسی مسیح (ع) و تبشیر نسبت به ظهور پیام آور مسیحیت بیان شده است. این موضوع، در انجیل یوحنا، بیش از سایر اناجیل دیگر به صورت شفاف تر و صحیح تر مطرح شده است: «شخصی از جانب خدا فرستاده شد که اسمش یحیی (ع)

بود. او برای شهادت آمد تا بر نور شهادت دهد تا همه به وسیله او ایمان آورند. او آن نور نبود بلکه آمد تا بر نور شهادت دهد آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می‌گرداند... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پر از فیض و راستی و جلال... و یحیی (ع) بر او شهادت داد و ندا کرده می‌گفت این است آنکه درباره او گفتیم آن که بعد از من می‌آید پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود...» (یوحنا، اول، ۶ - ۱۲). در انجیل به روایت یوحنا در مقایسه با اناجیل همونوا، نه تنها یحیی (ع)، مقدمه ظهور عیسی (ع) مسیح و نبوت آن حضرت می‌باشد بلکه در این انجیل، نگاهی متفاوت به یحیی (ع) شده و با قداست و طهارت بیشتری به یحیی (ع) پرداخته و مقدم بودن یحیی (ع) نسبت به ظهور مسیح (ع) با جامعیت بیشتری بیان شده است. از عیسی (ع) با تعبیر «کلمه» و «نور» یاد می‌کند که در پرتو آن «نور» و به طفیلی آن «نور» عالم ممکنات و حتی خود یحیی (ع) هم از آن نور وجود و هستی یافته است. آنجا که یحیی (ع) تصریح می‌کند که به واسطه فیض وجودی اوست که ما همگی بهره و وجود یافتیم (یوحنا، اول، ۱۲ - ۲۰). علاوه بر اخباری که یحیی (ع) به طور شفاهی در حق عیسی مسیح (ع) و رسالت وی به مردم اعلام می‌کند. به طور عملی و عینی نیز نبوت عیسی (ع) را تصدیق و تایید می‌کند آنجا که پس از مشاهده علائم نزول وحی بر مسیح (ع) - که پیش تر از جانب خداوند به وی گفته شده بود - صراحتاً شهادت به حقانیت پیامبری مسیح (ع) می‌دهد و اظهار می‌دارد «که خداوند مرا برای تعمید فرستاده به من گفته که بر هر کس که می‌بینی روح نازل شده، همان مسیح است و من اکنون دیدم که بر وی روح نازل شده و لذا او مسیح است و پسر خدا» (یوحنا، اول، ۳۴). ستایش‌ها و فروتنی‌های یحیی (ع) نسبت به مسیح (ع) آن چنان عمیق و فراوان صورت می‌پذیرد که عده‌ای دچار شک و تردید می‌شوند و چنین می‌پندارد که یحیی (ع)، همان مسیح موعود (ع) است از این رو به سراغ یحیی (ع) رفته و حقیقت را از وی جویا می‌شوند. یحیی (ع) چنین پاسخ می‌دهد «من شما را به



آب تعمید می‌دهم لیکن شخصی تواناتر از من می‌آید که لیاقت آن ندارم که بند نعلین او را باز کنم. او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. او غربال خود را به دست خود دارد و خرمن خویش را پاک کرده گندم خود را در انبار خود ذخیره خواهد نمود و گاه را در آتشی که خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید» (لوقا، سوم، ۱۴ - ۱۷؛ مرقس، اول، ۱۰ - ۱۱؛ متی، سوم، ۱۱ - ۱۲). تمجیدها و تواضع‌های یحیی (ع) در حق مسیح (ع) و عظمت شخصیت و مقام معنوی و نبوت وی آنچنان فراتر می‌رود که بر سر مسأله تطهیر و تعمید همزمان عیسی (ع) و یحیی (ع) میان یهودیان و شاگردان یحیی (ع) اختلاف پیدا می‌شود و هر یک شایستگی پیامبر خود را در تعمید مدعی می‌شدند، شاگردان یحیی (ع) به نزد وی آمدند و به او اعتراض کردند. یحیی (ع) به رسالت الهی و آسمانی و نیز عظمت منزلت مسیح (ع) بار دیگر اعتراف می‌کند و می‌گوید «هیچ کس چیزی نمی‌تواند یافت مگر آن که از آسمان بدو داده شود. شما خود بر من شاهد هستید که گفتم من مسیح نیستم بلکه پیش روی او فرستاده شدم... پس این خوشی من کامل گردید. می‌باید که او افزون گردد و من ناقص گردم. او که از بالا می‌آید بالای همه است و آن که از زمین است زمینی است و از زمین تکلم می‌کند و ...» (یوحنا، سوم، ۲۸ - ۳۳). یحیی (ع) نه تنها نبوت عیسی (ع) را تبشیر و تصدیق می‌نماید بلکه علاوه بر بیان مقاوم والای شخصیت عرفانی و رسالی وی، به شاگردان خود و سایر یهودیان رو می‌کند و پیرامون ایمان یا کفر نسبت به مسیح (ع) و آثار و عواقب آن به صورت جدی هشدار می‌دهد که «پدر، پسر را محبت می‌نماید و همه چیز را به دست او سپرده است آن که به پسر ایمان آورده باشد حیات جاودانی دارد و آن که به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید بلکه غضب خدا بر او می‌نماید» (یوحنا، سوم، ۳۵ - ۳۶). و در آن زمان عیسی از ایالت جلیل به سوی اردن می‌رود تا از یحیی (ع) تعمید گیرد ولی یحیی (ع) مانع می‌شود و می‌گوید «این کار شایسته نیست، این متمم که باید از تو تعمید بگیرم». اما عیسی (ع) گفت: «مرا

تعمید بده زیرا این چنین حکم خدا را به جا می آوریم» (متی، سوم، ۱۳ - ۱۵).

در قرآن کریم دو رابطه بین عیسی (ع) و یحیی (ع) مشاهده می شود: یکی رابطه تصدیق کنندگی یحیی (ع) برای عیسی مسیح (ع) است ولی این رابطه فقط در یک آیه و آن هم در حین بشارت تولد یحیی (ع) به زکریا (ع) است که: «خداوند تو را به یحیی (ع) بشارت می دهد که کلمه خدا را تصدیق می کند» (آل عمران، ۳۹) و دیگری است که بین زکریا (ع) و مریم (س) (مادر عیسی (ع)) موجود می باشد و آن هم سرپرستی مریم (س) توسط زکریا (ع) می باشد که «خداوند مریم (س) را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته ای پرورش داد و کفالت او را به زکریا (ع) سپرد» (آل عمران، ۳۷) که در این آیه، احتمال خویشاوندی به چشم می خورد. همچنین صفات چهارگانه به کار رفته در حق عیسی (ع) یعنی طهارت نفس، مهربانی به پدر و مادر، تواضع و فروتنی و نیز اطاعت و انقیاد از خدا، همگی درباره مسیح (ع) نیز آمده است. شگفت اینجاست که درباره هر دو دروذهای مشابه وارد شده است با این تفاوت که فرستنده درود بر یحیی (ع) خداست و در مورد مسیح (ع) خود اوست. در مورد یحیی (ع) می فرماید:

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (مریم، ۱۵) و در مورد عیسی (ع) آمده است:

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا (مریم، ۳۳). از این بیان روشن می شود که میان حضرت یحیی (ع) و حضرت مسیح (ع) یک نوع مشابهت طبیعی وجود داشته است زیرا اولاً آفرینش هر دو برخلاف قوانین طبیعی بود. یحیی (ع) از پدری فرتوت و مادری عقیم و مسیح (ع) نیز از مادری دوشیزه به دنیا آمد. ثانیاً اگر مسیح (ع) در دوران کودکی به مقام نبوت رسید (الاسراء، ۳) یحیی (ع) نیز در دوران کودکی به مقام نبوت رسید. ثالثاً هر دو در صفات چهارگانه یاد شده مشترک بوده اند. با این حال، یحیی (ع) بزرگ تر از مسیح (ع) بود و آنگاه که عیسی مسیح (ع) به آیین خویش دعوت کرد،

یحیی (ع) او را تصدیق کرد (آل عمران، ۳۹).

## ۲-۴- سرنوشت یحیی (ع)

هیروودیس و همسرش هیروودیا با یحیی (ع) سر دشمنی داشتند و هیروودیس نیز چنانچه از شورش مردم نمی ترسید، او را می کشت و علت آن نیز مخالفت یحیی (ع) با ازدواج هیروودیس و هیروودیا بود چرا که هیروودیا قبلاً زن برادر هیروودیس یعنی فیلیپ بود و به همین خاطر یحیی (ع) را به زندان انداخته بود. در جشن میلاد هیروودیس، هنگام رقصیدن دختر هیروودیا، هیروودی در حضور همه سوگند یاد کرد که هر چه بخواهد برایش آماده کند و او نیز بنا به سفارش مادرش، تقاضای سر یحیی (ع) را کرد. هر چند پادشاه از این تقاضا رنجیده خاطر شد ولی دستور به انجام داد و دختر نیز سر یحیی (ع) را تقدیم مادرش کرد. آنگاه شاگردان یحیی (ع) آمدند و بدن او را به خاک سپردند. (متی، چهاردهم، ۱۲ - ۱؛ مرقس، شش، ۱۴ - ۲۹) لازم به ذکر است که ماجرای قتل (شهادت) یحیی (ع) تنها در دو انجیل متی و مرقس به طور مشروح گزارش شده و در دو انجیل دیگر یعنی لوقا و یوحنا سخنی از آن به میان نیامده است. در قرآن کریم، سخنی از سرنوشت یحیی (ع) پس از دوران نبوت وی و نیز مرگ وی به میان نیامده است ولی در روایات اسلامی پیرامون کیفیت قتل یحیی (ع) نقل های مختلفی وارد شده (رک: مجلسی، ۱۴ / ۱۶۳ - ۱۹۰) که تنها به یک مورد آن استناد می شود: از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «شباهتی میان حضرت یحیی (ع) و حضرت امام حسین (ع) وجود داشته است. زیرا اگر برای حضرت یحیی (ع) در بنی اسرائیل قبلاً همنامی نبوده، برای امام حسین نیز قبلاً همنامی نبوده است و اگر قاتل یحیی (ع) فردی ناپاک و نتیجه زنا بوده، قاتل امام حسین (ع) نیز چنین بود» (همو، ۱۷۵/۱۴).

## نتیجه

از مقایسه داستان حضرت زکریا (ع) و یحیی (ع) در قرآن و انجیل اربعه می توان به نتایج و دستاوردهای ذیل اشاره کرد:

۱- انجیل لوقا، زکریا (ع) را به عنوان کاهنی یهودی و بسیار درستکار و مجری احکام الهی معرفی می کند که مورد رحمت خداوند واقع شده ولی قرآن کریم زکریا (ع) را به نبوت و وحی وصف نموده که مورد رحمت خداوند بوده است.

۲- در هر دو کتاب، به مسأله ولادت یحیی (ع) به صورت اعجاز گونه و در حالت شگفت انگیزی و سالخوردگی و ناتوانی زکریا (ع) و نیز عقیم و سالخورده بودن همسر زکریا (ع) اشاره کامل شده است.

۳- در هر دو کتاب، برای نوزاد آینده زکریا (ع)، نام یحیی (ع) از طرف خدا انتخاب شده که تاکنون این اسم، مسبوق به سابقه نبوده است.

۴- در هر دو کتاب به موضوع سلب قدرت تکلم زکریا (ع) پس از بشارت ولادت یحیی (ع) به واسطه ندا و نزول فرشته بر روی، اشاره شده، با این تفاوت که قرآن کریم، مدت این سلب تکلم زکریا (ع) را تا سه شبانه روز و انجیل لوقا، تا پس از ولادت یحیی (ع) ذکر کرده اند.

۵- قرآن کریم، علت سلب قدرت تکلم زکریا (ع) را نشانه ای از سوی پروردگار می داند ولی در انجیل لوقا علت آن، تنبیه زکریا (ع)، به سبب باور نکردن بشارت خداوند معرفی شده است.

۶- هم قرآن و انجیل لوقا، بشارت را در خلوتگاه عبادت ذکر می کنند با این تفاوت که در قرآن، بشارت در پی دعای زکریا (ع) و استجاب خداوند محقق شده است.

۷- در قرآن کریم، صفاتی نظیر صالح، صابر، خاشع، عابد، مستجاب الدعوة، مسارع

فی الخیرات و تسبیح گو برای زکریا (ع) ذکر شده که در انجیل لوقا، کاهن بودن، بسیار درستکار بودن، مجری و سالک احکام الهی با دل و جان بودن برای او آمده است.

۸- در قرآن کریم، زکریا (ع)، سرپرست و کفیل مریم (س)، معرفی شده است ولی در اناجیل چهارگانه چنین نیست.

۹- در انجیل لوقا، نام همسر زکریا (ع)، ایصابات، آمده است ولی در قرآن با اوصافی همچون: «اصلاح شده از سوی خداوند»، پیشگام در خیرات «نیایشگر پیوسته به درگاه الهی» و «خاشع نسبت به خداوند» از او یاد شده است.

۱۰- در گزارش انجیل لوقا، ایصابات از نسل هارون و از قبیله کاهنان می باشد؛ ولی در قرآن به نسب وی اشاره ای نشده است.

۱۱- در قرآن، نسبت بین مریم (س) و زکریا (ع)، در رابطه با تربیت مطرح می شود ولی در انجیل لوقا، نسبت نسبی مطرح می شود.

۱۲- طبق گزارش انجیل لوقا و متی، زکریا (ع) به دست اقوام فریسی<sup>۱</sup> و آخبار و دانشمندان یهود به شهادت رسیده است ولی در قرآن کریم، هیچ اشاره ای به سرنوشت زکریا (ع) و چگونگی وفات وی نشده است.

۱۳- هم در قرآن و هم در اناجیل اربعه به نبوت و پیامبری یحیی (ع) اشاره شده و هر دو، یحیی (ع) را به عنوان پیامبری بزرگ، در زمره صالحان و بانقوا و پاکدل معرفی نموده اند.

۱۴- هم قرآن و هم اناجیل اربعه، در تصدیق کنندگی یحیی (ع) (عیسی مسیح

۱. فریسیان، یکی از اقوام شناخته شده یهود هستند که پس از بازگشت یهود از بابل پدید آمده اند. کلمه «فریسی» در زبان عبری به معنای عزلت طلب است. این لقب بر جدایی و امتیاز آنان دلالت دارد. این فرقه، بنا به نقل مورخین، دو قرن قبل از میلاد پدید آمد و تاکنون هم، اکثریت یهود از آن هستند. آنان از فکری با فرقه صدوقیان، تضاد و مخالفت روشنی داشتند. این فرقه، خدا را از جسم و صفات جسمانی منزّه می دانست. همچنین در مسائل مربوط به اراده آدمی، راد میانهای را پذیرفته بودند و نیز رستخیز مردگان و دادگاه عدل الهی را می پذیرفتند و به عبادات از قبیل نماز و روزه و غیره، اهمیت می دادند (نوفیقی، ۹۵).

(ع) را) مشترکند ولی در اناجیل اربعه، علاوه بر تصدیق مسیح یحیی (ع)، به معرفی او نیز می‌پردازد و اصل آمدن یحیی (ع) برای تمهید راه مسیح (ع)، معرفی شده است.

۱۵- داستان ولادت و نامگذاری یحیی (ع) توسط مردم، در اناجیل به تفصیل بیان شده است ولی در قرآن سخنی از آن نیست.

۱۶- در قرآن، سخن از جانشینی یحیی (ع) (زکریا (ع) و دودمان یعقوب (ع)) می‌باشد ولی در اناجیل، سخنی از جانشینی نیست.

۱۷- در قرآن کریم، یحیی (ع) از آل یعقوب (ع) می‌باشد ولی در اناجیل اربعه سخنی از آن نیست.

۱۸- در اناجیل، محدوده نبوت یحیی (ع) در بنی اسرائیل بیان شده ولی در قرآن مشخص نشده است.

۱۹- در اناجیل اربعه، به شرح جزئیات زندگی یحیی (ع) اشاره شده است از جمله این که یحیی (ع) در بیابان زندگی می‌کرد و از خوراک صحرائی چون ملخ و عسل استفاده می‌نمود و مردم را با آب، جهت آمادگی برای دخول در ملکوت خداوند، غسل تعمید می‌داد ولی در قرآن هیچ سخنی از آن نیست.

۲۰- در اناجیل اربعه، وظیفه و رسالت اصلی یحیی (ع)، تمهید مردم برای پذیرایی از مسیح (ع) است و قرآن، یحیی (ع) را تصدیق کننده مسیح معرفی می‌کند.

۲۱- در اناجیل اربعه، رابطه و نسبت یحیی (ع) با عیسی (ع)، خویشاوندی و همچنین بشارت دهندگی و تمهید دعوت عیسی مسیح (ع) توسط یحیی (ع) می‌باشد ولی در قرآن رابطه خویشاوندی، احتمال است و علاوه بر آن، رابطه تصدیق کنندگی بین یحیی (ع) و مسیح (ع) موجود می‌باشد.

۲۲- در قرآن کریم، اعطای نبوت به یحیی (ع) در کودکی است ولی اناجیل اربعه، زمان آن را مشخص نمی‌کند.

۲۳- در قرآن کریم، سخن از کتابی آسمانی است که خداوند دستور گرفتن آن را

به یحیی (ع) می دهد ولی در اناجیل چهارگانه، سخنی از کتاب آسمانی یحیی (ع) نیست.

۲۴- عبارات قرآن کریم صراحتاً به مسأله عدم ازدواج یحیی (ع) اشاره می کند (حسوراً). در عبارات اناجیل اربعه هم، علاوه بر آن که، هیچ تصریحی یا تلویحی مبنی بر ازدواج یحیی یافت نمی شود، زهد و بیابانگردی آن حضرت شاهی دیگر بر این مدعاست.

## منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- اشرفی، عباس، مقایسه قصص در قرآن و عهدین، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۲- اکبری دستک، فیض اله، بررسی تطبیقی موضوعات مشترک قرآن کریم و اناجیل اربعه (رساله دکتری)، به راهنمایی دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۴ ش.
- ۳- همو، رویکرد قرآن کریم به پرداخت شخصیت حضرت عیسی (ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته، به راهنمایی دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) ۱۳۸۰ ش.
- ۴- اناجیل اربعه (کتاب مقدس)، ترجمه تفسیری فارسی، انجمن ترجمه و پخش کتب مقدسه، تهران، [بی تا].
- ۵- توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، قم، ۱۳۷۸ ش.
- ۶- سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۷- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۹۹۵ م.
- ۸- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].
- ۹- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، به کوشش سید طیب موسوی جزائری، نجف اشرف، ۱۳۸۷ ق.
- ۱۰- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۱- المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قم، مؤسسه انصاریان، [بی تا].
- ۱۲- میلر، و. م، تاریخ کلیسای قدیم در ایران و روم، ۱۹۳۱ م، [بی جا].
- ۱۳- هاگس، جیمز، قاموس کتاب مقدس، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۴- هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، ۱۳۶۹ ش.